

ویرانمی‌رهند این بود که چندتن از وفا دارترین چاکران را روانه مشرق کرد تا در حدودی که از آمد و رفت رومیان برکنار است به تجهیز سپاه پردازند و شخصاً به بهانه طغیان عشایر گل که تازه بحدود آسیای صغیر رسیده بودند از پایتخت بیرون شده در نواحی مرکزی مملکت مشغول کار شد. در آن زمان مهرداد بنا بر وساطت وزیرای دانشمند خود با تیگران پادشاه اشکانی از منستان موصلت کرده دختر ویرا گرفت.

فریدالدین عطار صاحب بلبل نامه

حکیم فریدالدین عطار نیشابوری در سال ۱۱۵۰ میلادی در شهر نیشابور و عهد سلطان سنجر سلجوقی متولد شد. پدرش عطار و فریدالدین بهمین مناسبت عطار تخلص نموده است. پدرش پس از مرگ خود دکان عطاری را برای او به ارث گذاشت و فریدالدین کار پدر را تعقیب می نمود. عطار در کتاب اسرار نامه خود می گوید که غالب تالیفات خود را در دکان پدری نوشته است.

فریدالدین عطار در مشرق زمین مسافرت‌های بسیاری نموده منجمانه به هندوستان و مصر سفر کرده پس از بازگشت مجدداً در نیشابور اقامت گزیده است. منظومه کوچک خطی (در موزه شرق آکادمی علوم روسیه است) که به بلبل نامه خود الحاق نموده می نماید که عطار در آن اوقات متاهل بوده و انتظار داشته که خداوند پسری باو عطا فرماید.

ظاهراً پس از تاهل عطار باید انتظار داشت زندگی آرام خانوادگی خود را تا آخر عمر ادامه داده باشد ولی قضا و قدر نوع دیگری سر نوشت او را تعیین کرد. بود.

عطار منظومه ، مظهر العجایب ، خود را که بنام علی ابن ایطالب نگاشته و روح نشیم از منظومه مذکور بخوبی آشکار بود انتشار داد . لذا اهل تسنن او را تکفیر نموده دارائیش را ضبط و از شهر بیرونش کردند .

شاعر مزبور در سالهای پیری و سالخوردگی بی خانمان و آواره از وطن شد و چنانچه در افسانه ها مذکور است در سال ۱۲۳۰ میلادی موقع حمله مغولها بر ایران بدست آنان کشته گردید .

فرید الدین عطار نویسنده محجوبی بود و چنانچه خود می گوید : در تمام مدت زندگی عمر خود قلم را بمدیحه سرائی نرانده پیرامون درباریان و اعیان و اشراف نگشته است و بهمین جهت هر در ، بابل نامه ، خود چنانچه ذیلا نگاشته خواهد شد شعرا را تنقید میکند ،

حجب و گوشه نشینی او از خلال نوشتجاتش پیدا است . مراعات کامل قوانین نویسندگی که در مشرق دارای اهمیت درجه اول است نزد عطار اهمیتی نداشته . ^{مطالعه} فرید الدین در گفته های خود پای بند صنایع بدیعیه که در تمام اشعار فارسی دیده میشود نگردیده و چنانچه در اشعار او قوافی و مضامین و تشبیهات خیلی بلندی دیده میشود دلیل تجسس او نمی باشد زیرا روح و عقیده طبع سرشار عطار مستغنی از تجسس آنها بوده است .

تمام مضامین اشعار عطار به يك روح ختم می شود و آن روح تصوف است که برای نابود کردن شخصیت و نیت و اتصال بادوست روحانی خود که ، من ، حقیقی است بکار برده قسمت عمده گفته های عطار عبارت است از حکایات و افسانه هائی که بیشتر عمر عطار

بر جمع اوری آنها صرف گردیده است . عطار گفته های عرفانی نیز دارد که روح خود فراموشی و ایمان کامل از آنها هویدا است . روح مزبور در منظومه کوچک او موسوم به « بی سر نامه » که مطلع مقطعی این است :

من خدایم — من خدایم — من خدا

! بوی دیده می شود .

در افسانه است که عطار در سالخوردگی به جلال الدین رومی که در آنوقت شش ساله بود بر خورده فوراً از چهره او دریافت که با چه کسی سروکار دارد لذا « اسرار نامه » خود را بدو بخشیده مثل این بود که او را به جانشینی خود برگزیده است . بدیهی است این افسانه مستند تاریخی ندارد و تصور میرود زائیده از پیشه یکی از صاحبان تذکره یا اشخاصی باشد که جمع اوری شرح حال و زندگی شعرا اقدام نموده اند . هر چند موضوع فوق الذکر افسانه است ولی باید اعتراف کرد که توافق فکری و تناسب بین عطار و ملای رومی در این افسانه کاملاً سنجیده شده زبان ملای رومی نیز پیرو سبک و عقیده عطار بوده است .

مثنوی جلال الدین رومی نیز مانند گفته های عطار حاوی موضوع بخصوصی نیست بل مجموعه قصص و حکایاتی است که برشته نظر کشیده فکر و روح عطار در سطور مثنوی نیز مشاهده میشود .

اصولاً میتوان گفت عطار و جلال الدین رومی از يك نور و يك روح بوده اند .

اگر عطار یکنفر شاعر و نویسنده زبر دست ایرانیست جلال الدین

رومی جزو مشاهیر و بزرگان عالم به شمار آمده و چنانچه بیشتر شناخته و معرفی شود مانند شکسپیر و گوته مورد تقدیر بشریت واقع میگردد .

خلاصه مضمون « بلبل نامه » عطار این است که بلبل عاشق روی گل شده ناله و فغان او سایر پرندگان را بزحمت انداخته دعوی نزد سلیمان پیغمبر برده بلبل را بمحاکمه دعوت کردند . بلبل دشمنان را سخت تنقید نموده از خود دفاع میکند و پس از استماع نصایح عارفانه هد هد ساکت میشود .

بدیهی است مقصود عطار فقط ظاهر حکایت نبوده بلکه بلبل خود عطار است که شرح گذارشات زندگانی خود را از زبان بلبل سروده و اوست که مثل بلبل از هیاهوی دربار و عالم مادی خود را کنار کشیده در تنهایی با « یگانه دوست » راز و نیاز می کند .

امروز بعضی ها که مفهوم حقیقی و واقعی گفتار عطار را درک نکرده او را عیاشی بیش تصور نموده اند در صورتیکه تنقید او از حکمرانان و درباریان خلاف این نظر به عقیده را ثابت میسازد شاید عطار در ضمن این منظومه خواسته باشد محاکمه خود را بتهمت کفر و شرک که فوقاً مذکور افتاد بیان نماید .

عطار در « بلبل نامه » بدو از سیمرخ شاه پرندگان تنقید کرده ولی چون تاریخ نظم « بلبل نامه » در دست نیست نمیتوان گفت کدام يك پادشاهان آن عصر را در نظر داشته است . فقط مبرهن است که سلطان سنجر هدف تیر ملامتش نبوده زیرا این سرباز جنگی راهیچوقت نمیتوان بعیاشی و زندگی حرم سرا متصف ساخت .

عطار پس از پادشاه اعیان و خوانین از عصر (خطاب شاهین) و بعدا شعرای درباری (خطاب بطوطی) را هدف تیر ملامت قرار داده است بعد از طوطی روی سخن بطاوس محبوبه پادشاه نموده سپس بلاشخور که مرادش علمای کهنه پرست می باشد متوجه شده آنها را حلاجی کرده است.

هدهد بعد از همه آمده ومظهر شیخ عارف ومقدس است که عطار اورا بدوروثی و کمی عدالت و انصاف تنقید نموده است .

برای تشریح اهمیت جواب هد هد اشنائی باطریقه تصوف لازم میباشد که از موضوع مقاله ما خارج است .

همیتقدر میکوئیم که هد هد او را بعدم توجه باشخاص و خود داری از شرح معایب آنها متذکر ساخته متوجه عالم بالایش مینماید .

درخاتمه متذکر میگردیم که بلبل نامه عطار بهترین معرف روح و عقیده وطبع سرشار او است .

اقتباس از شماره ۲ مجله شرق منطبعه مسکو

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
شرف الدین قهرمانی

نیز بنواز!

شعر انگلیسی اثر جان داوید سون
اینک کوره های کارخانه خاموش شده
و سندانها سر درد مند خود را ببالین خواب نهاده اند گروه
کارگران دود آلود جاده را پر کرده است و بطرف خانه های خود
رهسپارند

بزن نیزن ! نوایی بنواز !